

دریچه

تجلیل از کریم اکبری مبارکه در تئاتر صاحب‌دلان

● محمود فرهنگ، مدیر کانون تئاتر دینی از انتخاب برگزیدگان بخش مسابقه نمایش‌نامه‌نویسی دهمین دوره تئاتر صاحب‌دلان و تجلیل از مرحوم کریم اکبری‌مبارکه در یک مراسم خبر داد.

محمود فرهنگ ضمن بیان این خبر گفت: در مراسمی که روز چهارشنبه اول بهمن در تالار مشاهیر برگزار می‌شود، ضمن اهدای جوایز برگزیدگان نمایش‌نامه‌نویسی صاحب‌دلان از مرحوم کریم اکبری‌مبارکه با حضور خانواده این هنرمند تجلیل خواهد شد. فرهنگ افزود: هیئت انتخاب مسابقه نمایش‌نامه‌نویسی متشکل از محمدرضا الوند، کاوه مهدوی، ندا ثابثی از میان ۱۵۸ اثر رسیده به دبیرخانه سه نمایش‌نامه را به‌عنوان آثار برتر این دوره از صاحب‌دلان انتخاب کردند که مراسم اهدای جوایز و تجلیل از مرحوم کریم اکبری‌مبارکه در روز چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح برگزار می‌شود.

برگزیدگان دهمین دوره تئاتر صاحب‌دلان عبارت‌اند از: «روایت نه‌چندان پیچیده از یک عشق به طعم شمشیر» نوشته محمدرضا آریان‌فر- جایزه مقام اول، «مردی که خواب کسوف می‌دید» نوشته حمید نامق- جایزه مقام دوم، «قلندر» نوشته روزبه حسینی- جایزه مقام سوم.

حضور فیلم‌ساز ایرانی در کمپ استعدادیابی برلیناله

● با اعلام رسمی کمپ استعدادیابی جشنواره برلین آرین وزیردفتري، کارگردان از میان بیش از سه‌هزار متقاضی از ۱۲۳ کشور جهان نماینده ایران در کمپ استعدادیابی برلین شد. کمپ استعدادیابی برلین پلتفرم و همایشی سالانه است که توسط جشنواره فیلم برلین برگزار شده و هرساله هم‌زمان با این جشنواره حدود ۲۰۰ نفر از فعالین حوزه‌های مختلف سینما از سراسر جهان برای برگزاری ورک‌شاپ‌هایی درباره سازوکار و چگونگی ساخت فیلم در پل‌ها و ورک‌شاپ‌های تخصصی این کمپ شرکت می‌کنند.

علاوه‌براین فیلم‌نامه بلند «غوص» نوشته آرین وزیردفتري از میان ۵۰۹ فیلم‌نامه ثبت شده در «اسکرپت استیشن» برلیناله به جمع ۱۰ فیلم‌نامه نهایی راه پیدا کرده که این فیلم‌نامه در طول برگزاری کارگاه‌هایی با حضور متخصصین فیلم‌نامه در سطح جهانی مورد بحث، بررسی و گسترش قرار گرفته و در ادامه امکان تولید و تهیه بین‌المللی آن بررسی می‌شود.

امسال و به دلیل شیوع ویروس کرونا کمپ استعدادیابی برلین به‌طور مجازی و از اول تا پنجم مارس ۲۰۲۱ برابر با ۱۱ تا ۱۵ اسفند برگزار می‌شود.

اعلام برنامه جدید تالارهای نمایشی تئاتر شهر

● **مه:** سه اثر نمایشی جدید به کارگردانی امیر دژاکام، کهد تاراج و مرتضی شاه‌کرم طی روزهای آینده در تالارهای چهارسو، قشقایی و سایه مجموعه تئاتر شهر اجرای خود را آغاز می‌کنند.

«ایوب‌خان» به کارگردانی امیر دژاکام، «ایام‌ها» به کارگردانی کهد تاراج و «برونسی» به کارگردانی مرتضی شاه‌کرم عنوان سه نمایش جدید مجموعه تئاتر شهر بعد از مدت‌ها وقفه در فعالیت‌های اجرایی این مجموعه به دلیل شرایط کرونایی هستند که از هفته جاری اجرای خود را در تالار چهارسو، تالار قشقایی و تالار سایه مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کنند.

در نمایش «ایوب‌خان» الهام خضرائی‌منش، نسیم داداشی، طها عابدی، ماهان عابدی، حسام شهیدی، الناز ملک‌پور، غزل جمشیدآبادی، نیوشا امینی، مهدی حویری، ندا حسینی، زینب تحقیقی، آرمن خزانلی، شایان انجمنیان، مرزده عنایتی، سمانه شعاعی و بهرام ابراهیمی به‌عنوان بازیگر حضور دارند.

«ایام‌ها» عنوان نمایش جدید دیگر تئاتر شهر به نویسندگی و کارگردانی کهد تاراج است که از روز چهارشنبه اول بهمن ساعت ۱۸:۴۵ به مدت ۶۰ دقیقه و با بازی مرجان قمری، لیخن بدیعی و مازیار سیدی اجرای خود را در تالار قشقایی آغاز می‌کند.

در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر نیز نمایش «برونسی» به نویسندگی و کارگردانی مرتضی شاه‌کرم و بازی مسعود شامی‌خاتونی، محسن پوشایی، پروا آقاجانی، مانده جلالی، مرتضی شاه‌کرم، فرید کیارمئی، ایمان سلگی، احمد صمیمی، سالار مسیب‌زاده و مجید رحمتی از روز پنجشنبه دوم بهمن ساعت ۱۸ به مدت‌زمان ۶۰ دقیقه اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند. اجرای این سه اثر نمایشی در حالی است که نحوه فروش بلیت و حضور تماشاگران در تالارهای نمایشی با درنظرگرفتن ظرفیت ۵۰درصدی تالارها و موارد مربوط به فاصله‌گذاری براساس شیوه‌نامه‌های بهداشتی صورت می‌گیرد.

حسین گنجی، منتقد هنری؛ جهان ما جهان ماندن و وجود ابدی داشتن و به تعبیر دیگر مانایی نیست. بعد از هر آمدنی، رفتنی تعریف شده است و بعد از هر خلق‌شدنی، نیست و ازیمان‌رفتنی وجود دارد. شاید بهتر‌است بگویم تنها چیز همیشه باقی و همیشه تکرار‌شونده همین رویه‌های جاری است. آمدن، زیستن، رفتن. از این منظر ویژگی بارز و مشخصه اصلی این جهان مادی را باید همین ناپایداری، بی‌دوامی و زوال مستمر دانست. به همین دلیل است که مانایی و نامیرایی همواره رؤیای همیشگی انسان روی زمین بوده و در وجوه مختلف زندگی قدری بیشتر ماندن و زندگی‌کردن و زوال‌نیافتن مطالبه همیشگی اوست. به همین خاطر است که انسان دست به هر کاری می‌زند تا ردی از خود بر جای بگذارد و این رد و اثر که در تلاش برای ماناسازی او باشد، شاید خاطره‌ای باشد، یا اثر و منشا یا منظره‌ای که در ایجادش نقش داشته است. اما اینها، همین رد پاها، نیز می‌توانند بمیرند و باید به وسیله‌ای زنده بمانند و به حیات خود ادامه دهند و خود را از زوال جاری این زندگی نجات بخشند. اما چگونه؟ پاسخ بی‌شک هنر است. هنر یکی از بارزترین وجوه این تلاش مستمر و همیشگی انسان برای هستی بعد از نیستی و مهم‌ترین دستورالعمل نجات‌بخش او از مرگ و زوال محسوب می‌شود. اگر زیستن را یک جدال مستمر برای رهایی از نیستی بدانیم، قطعا هنر یکی از بزرگ‌ترین سلاح‌های این جدال همیشگی و همواره محسوب می‌شود که در این مسیر، در این مبارزه بی‌وقفه برای نامیرایی، هنر کم خدمت نکرده و کم تأثیر از خود به جا نگذاشته است. شاید بتوان ادعا کرد تا لیخن ژوکوند هست، داوینچی زنده است و تا اثر گرینکا بر دیوار موزه ریئا سوفیای مادرید پابرجاست، پیکاسو در این جهان حضور انکارناپذیر و مؤثری دارد و این شکل ماندن نه‌تنها شامل خالقان اثر و خود آثار بلکه شامل مفاهیمی که این آثار با خود حمل کرده و حیات بخشیده‌اند، نیز می‌شود. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که هنر در مانایی آن نقش داشته است، همین صلح‌طلبی برآمده از اثر پیکاسو و همین زیبایی برآمده از لیخن ژوکوند باشد. باوجوداین گاهی همین ابزار مؤثر گاهی کم‌کارکرد می‌شود و خاصیت و قدرت خود را از دست می‌دهد و مغلوب زمانه‌اش می‌شود و از قدرتش به نحو چشمگیری فرو کاسته می‌شود. هایدگر مانند هگل، به همین سبب، هنر را به نحوی انفکاک‌ناپذیر از تاریخ می‌داند و قائل به آن است که هنر همواره با تقدیر تاریخی دوره‌ای که در آن ظهور می‌کند، کره خورده است. اما تقدیر تاریخی زمانه ما چیست؟ و چرا به تعبیر هایدگر «دازاین (وجود) ما به ابتدال زندگی روزمره‌ای دچار است که یکسره، آن را از ساحت اقتدار هنر محروم می‌دارد». متأسفانه جهان ما اسیر سرعت و بی‌وقفی شده است. روزمرگی به سبب زندگی شهری مدرن قدرت گرفته است و نتوانسته حرکت جمعی یک جامعه به سمت زوال را سرعت ببخشد و به عبارت دیگر زوال و در نهایت مرگ ما را زودهنگام پیش‌روی ما قرار می‌دهد. مرگ که نقطه پایان این مبارزه



طاقت‌فرساست، در این روزها. نزدیک، بیش از اندازه نزدیک و به تعبیر سهراب سپهری در سایه نشسته است و به ما می‌نگرد. در نمایشگاه «زوال، دیالکتیک استمرار» پارلی پیش‌روی مخاطب قرار گرفته است که او چنین گرهِ‌خوردگی و البته گیرافتادگی را به‌خوبی می‌تواند به نظاره بنشیند. مدیوم عکس در خدمت نقاشی و چاپ و مدیوم نقاشی و چاپ در خدمت ویدئو و تصویر قرار گرفته تا ما را ا مفهومی که ما را احاطه کرده است نمی‌گذارد خارج از محدوده روزمره به آن توجه کنیم، آشنا شویم. مفهومی به‌عنوان زوال که ریشه تاریخی در هستی ما دارد و این روزها قدرت بیشتری یافته است و سعی دارد منظره را، زیبایی را و حتی خیال و رؤیا را از ما بگیرد. آثار مینا نادری محوریت این نمایشگاه است که در راستای تکمیل گفتمانی که او پیش‌روی مخاطب می‌خواهد بگذارد، روشنگر صدر و کامبیز صفاری با مدیوم‌های دیگر به کمک آن آمده‌اند و توانسته‌اند یک جریان دیالکتیکی و متضاد اما همگن را به وجود بیاورند و تصویری از یک زندگی پرتناقض، ولی امروزین را به نمایش درآورند. اما گویی ناخواسته از دل واقعیت انکارناپذیر و خالصی از حضور انسان در کنار درخت و روی صندلی‌های شکسته، یک نقاشی‌های سوررئالیستی و وهم‌انگیز مینا نادری است که رؤیا را و ثبت جای خالی حضور انسان را به ما گوشزد کرده و ذهن مخاطب را از زوالی که

غلامحسین ساعدی از «بادِ جن» تا «دایره مینا»

ساعدی و کناره‌های شهر

می‌دهد. در «باد جن»، راوی این لحظه را این‌طور روایت می‌کند: «سابقهٔ بادها را به آمدن سیاهان از آفریقا نسبت داده‌اند. پیش از آنکه سیاه به بهای خرمایا بد، حاشیه خلیج بادها بود. اما مثل نیرو، در تن بیمار و نفت، زیر دریا و هوش در مغز بی‌فرهنگ، ناشناخته مانده بود و سنت سیاه که از تجربه گرسنگی سرشار بود، شباهت را شناخت و شفادهنده شد». اما در «باد زار» گفتار متنی ساده‌تر شنیده می‌شود: «وقتی باد زار در جان آدم رخنه کرد، او را مریض می‌کند و مریض اهل هوا، با دکتر خوب نمی‌شود. بادهای زار بیشتر از آفریقا رسیده‌اند و مبتلایان زار، بیشتر سیاهانی هستند که اجدادشان در سال‌های دور به کنیزی و غلامی آمده‌اند». با وجود تفاوت چشمگیر این دو روایت، حضور ساعدی و تک‌نگاری‌هایش که مبتنی بر ریشه‌یابی ترس و تنهایی به اشکال مختلف است، در کار تقوایی دیده می‌شود. گویی از همین‌جاست که بنای مضامین و داستان‌های مختلف در فیلم‌نامه‌های ساعدی پایه‌گذاری می‌شود. در واقع آنچه در تجربه‌های سینمایی ساعدی با حضور مؤثر در کنار داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی به موج نو سینمای ایران کمک می‌کند، کنکاش برای پاسخ‌گویی به پژوهش‌های او و به‌ویژه ردیابی علت‌های تریس و تنهایی آدمی است.

دایره مینا، داریوش مهرجویی، ۱۳۵۳

گریز ساعدی از خوانش‌های مرسوم دربارهٔ تهِی‌دستان در داستان «اشغال‌دوتی» و برگردان سینمایی آن «دایره مینا» به‌خوبی پیداست. هرچند «دایره مینا» تنگدستی



برپایی کارگاهی مجازی که از کاربرد میزانشن در قاب می‌گوید

«سرحال» درباره موضوع این کارگاه، توضیح داد: با توجه به شرایط به‌وجودآمده به دلیل شیوع ویروس کرونا و تعطیلی سالن‌های تئاتر و اینکه هنوز وضعیت مشخصی برای بازگشت به شرایط قبلی نیست، بسیاری از نمایش‌ها آنلاین و با استفاده از دوربین اجرا می‌شوند. نویسنده، کارگردان فیلم «چهل‌هفت» افزود: از آنجایی‌که این وضعیت تجربه نشده بود و پیش از آن اتفاقات به‌طور زنده در سالن تئاتر رخ می‌داد، طبیعتاً تماشاگر نشسته‌کار را تماشا می‌کرد، میزانشن هم توسط بازیگر و روی صحنه اتفاق می‌افتاد. هیچ وقت هم تماشاگر جای خود را در سالن تغییر نمی‌داد پس میزانشن حتماً باید از مقابل رخ می‌داد. اطراقچی با تأکید بر اینکه تئاتر مشخصه‌های خاص خود را دارد اما الان در شرایطی قرار گرفتیم که از



به آن دچار شده است و بن‌بستی که پیش‌رویش قرار دارد، نجات می‌دهد. روشنگر صدر در نمایشگاهی با عنوان نشسته می‌میرد، با المان‌های مثل درخت و صندلی، پیش از این دست به جاودانه‌سازی یاد و خاطره کسانی که دیگر نیستند، زده بود ولی در این نمایشگاه، در گالری فرمانفرما به نوعی پافراتر از یادسازی و نمود ساده جای خالی گذاشت و زوال در یک جدال مستمر با زندگی و در میان حقیقت و رؤیا قرار گرفت. جدالی که فارغ از نتیجه ما را برای لحظه‌ای از روزمرگی بیرون می‌اندازد و به تماشای خود وای می‌دارد. تماشای چیزی که دیگر زوال نمی‌پذیرد و می‌تواند به مفهومی در ذهن تبدیل شود و همواره حیات داشته باشد. مفهومی به نام دیالکتیک که می‌توان شکل تصویری آن را در این نمایشگاه بازیافت و بی به اهمیت و کارکرد آن برد. چیزی که زندگی در زمانه مدرن و مضاف بر آن زندگی در زمانه کرونا، ما را از آن بازداشته است. هر تکه این نمایشگاه در یک قاب کلی ما را به اهمیت مفهومی به نام دیالکتیک و تضارب و توجه به رویه‌های ثابت محیط پیرامون‌مان پیش می‌برد و در مانیفستی جمعی ابتدال را اسارت در تکرار و روزمرگی تلقی کرده و بکنانه راه عبور از آن را ثبت و رهاشدن در رؤیا می‌داند. رؤیایی که ما را از واقعیت موجود بیرون می‌کشد و به جهانی ورای این جهان وارد می‌کند.

ساعدی در نمایشگاه «دایره مینا» در تالار قشقایی تئاتر شهر

علی و پدرش را در تصویری واقع‌گرایانه به بهره‌کشی بی‌رحمانه دلالان خون پیوند می‌دهد، اما در این برگردان سینمایی، شخصیت زهرا توانایی به‌دوش کشیدن انرژی روایت را دارد. مهربانی او، در واقع همان پناهگاه امنی است که شخصیت‌های دیگر ساعدی، مریض مبتلا به باد زار گرفته تا سرهنگ بازنشسته «آرامش» در حضور دیگران، در تنهایی و درماندگی طلب می‌کنند؛ نیرویی سرشار از هیجان عشق و انسانیت. در پلیشوی «دایره مینا»، که تنها گوشه‌ای از واقعیت زندگی علی و پدرش را نشان می‌دهد، پیداست که سفر ساعدی به این مناطق، از سر رفتن نبوده بلکه حاصلش نگاهی ژورنالیستی به جدافتادگان اجتماعی باشد. واقعیتی که او می‌بیند با روشنفکر آزادی‌خواهی که در اتناق گرم و نرمش تار و پود یک اندیشه نخنما را روزی صده بار به هم می‌بافد و دوباره از هم باز می‌کند، تفاوت دارد. به هر حال آنچه «دایره مینا» را به روایتی صادقانه از شرح حال علی، زهرا و دیگران تبدیل می‌کند، مواد خامی است که مهرجویی از نگاه انسان‌دوستانه ساعدی استخراج کرده است. وقتی علی و پدرش به بیمارستان می‌رسند، بیماری پدر علی به‌عنوان علت مهاجرت آنها از حاشیه شهر به پایتخت معرفی می‌شود. دلال خون به آنها کاری پیشنهاد می‌کند که استخوان داستان را سر پا نگه دارد. صحنه‌هایی که روند رشد پرنک را شکل می‌دهد و بهانه‌ای برای تماشای واقعیت کناره‌های تهران را فراهم می‌کند با گذشت چهار دهه، هنوز بدیع و زنده‌اند، اما در کنار این بخش از روایت «دایره مینا»، اشاره به دو عنصر داستانی فعال نیز دیده می‌شود؛ ناچاری علی در پذیرفتن کاری که صورت خوشی ندارد و توصیف زهرا از درمانگاه به‌عنوان جایی که گویی برای او بهشت است. در نگرش ساعدی به شخصیت‌های «دایره مینا»، این دو عنصر، جایی در بیرون متن برای خود برمی‌گزیند که شاید تا سال‌های دراز چالش‌ی انسانی را همواره زنده نگه دارند. دلالی خون، با راه‌اندازی سازمان انتقال خون به پایانی خوش منتهی می‌شود (که از جمله ارزشمندترین گام‌های ساعدی و سینما در جهت کمک به سوزه‌های اجتماعی است). اما زوال روح و ناتوانی هر شهروند در مواجهه با تنهایی و ترس، همان سوبه پژوهشی ساعدی است که تماشای مهربانی زهرا در «دایره مینا» را به فرایندی خوشایند و پایان‌ناپذیر بدل می‌کند؛ موقعیتی برآمده از دل واقعیت، اما با ویژگی‌هایی از یک آرزوی دست‌نیافتنی. این ویژگی، ضرورت رفتن ساعدی به سراغ حاشیه‌نشینان تهران را از مرثیه‌های جگرسوز، نمادگرایی‌های فخرفروشانه و نسبت‌دادن چهل و نادانی به زندگی نهی‌دستان، دور می‌کند.

دوربین استفاده می‌شود، ادامه داد: در نتیجه جاکیری دوربین و اتفاق‌هایی که می‌تواند به وسیله دوربین به وجود بیاید، می‌تواند میزانشن جدیدی به ما بدهد تا بتوانیم موقعیت را مقداری تغییر دهیم. نوع میزانشن و اتفاقی که روی صحنه می‌افتد، نه‌تنها به وسیله کاراکترها بلکه توسط عروسک‌ها و بازیگرها و همچنین دوربین تغییر می‌دهیم تا بتوانیم یک ابداع و نوآوری داشته باشیم. در نتیجه در این کارگاه می‌خواهیم بگویم چگونه می‌توان با استفاده از دوربین هم میزانشن جدیدی در کار به وجود آورد و هم تنوع و نوآوری در کار داشت. کارگاه کاربرد میزانشن جایی میان تئاتر عروسکی و تصویر محصورشده در قاب» پنجشنبه دوم بهمن ساعت ۱۴ به صورت آنلاین برگزار می‌شود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

افزایش تعداد فیلم‌های فهرست کوتاه اسکار فیلم‌بلندبین‌المللی

● **هنرآلاین**؛ با تغییرات جدید آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، «کمیته نجات» حذف می‌شود و ۱۵ فیلم که بالاترین امتیاز را از سوی کمیته رای‌گیری اولیه فیلم بلند بین‌المللی کسب کرده‌اند به فهرست کوتاه راه پیدا می‌کنند. ادامه پاندمی کووید۱۹ برگزارکنندگان جوایز اسکار را با چالش‌های زیادی روبه‌رو کرده است که نحوه دیدن فیلم‌ها توسط اعضا و رای‌دادن آنها را شامل می‌شود. به گزارش وراثتی، کمیته رای‌گیری اولیه فیلم بلند بین‌المللی، برای اطمینان از حفظ یکپارچگی در روند رای‌گیری، با رای مخفی یک فهرست کوتاه شامل ۱۵ فیلم تهیه می‌کند که پنج فیلم بیشتر از سال‌های قبل است. در دوره‌های گذشته، رای‌گیری اولیه به صورت حضوری انجام می‌شد. امسال این پروسه باید در قالب اتلاین طی شود که باغدغه محفوظ‌ماندن آرا همراه است. در نتیجه کمیته اجرایی فیلم بلند بین‌المللی برای انتخاب فیلم‌های اضافی تشکیل جلسه نخواهد داد. هیئت‌رئیس در جلسه اخیر خود با این تغییرات موافقت کرد.

تشکیل کمیته اجرایی فیلم بلند بین‌المللی به بیش از یک دهه قبل برمی‌گردد. بعد از آنکه در ۲۰۰۷ فیلم «چهار ماه، سه هفته و دو روز» ساخته کریستیان مونچو و برنده جایزه نخل طلای جشنواره کن، به فهرست کوتاه نامزدهای اسکار فیلم بلند بین‌المللی راه پیدا نکرد، آکادمی با تغییر روند رای‌گیری برای انتخاب فیلم‌های فهرست کوتاه، یک کمیته اجرایی معروف به «کمیته نجات» تشکیل داد که چند فیلم این فهرست را با نگاه کاملاً تخصصی انتخاب کنند.

تا سال گذشته روند کار به این شکل بود که رای‌گیری برای انتخاب نامزدهای اسکار فیلم بلند بین‌المللی در دو مرحله انجام می‌شد. در مرحله اول کمیته رای‌گیری اولیه فیلم بلند بین‌المللی شامل چند صد نفر از اعضا از همه شاخه‌های آکادمی، در قالب سه گروه، هریک حداقل ۵۰ درصد فیلم‌هایی را که به آنها سپرده می‌شد، می‌دیدند و بر مبنای امتیاز شش تا ۱۰ به فیلم‌ها نمره می‌دادند. شش فیلمی که بالاترین امتیاز را توسط این کمیته کسب می‌کردند، به فهرست کوتاه نامزدهای بخش فیلم بلند بین‌المللی راه پیدا می‌کردند. سپس کمیته اجرایی فیلم بلند بین‌المللی پس از اطلاع از شش فیلم انتخاب‌شده، تشکیل جلسه می‌داد و سه فیلم دیگر را انتخاب می‌کرد تا ۹ فیلم فهرست کوتاه انتخاب شوند (هیئت‌رئسه در ۲۰۱۸ تصویب کرد که تعداد



فیلم‌های فهرست کوتاه نامزدهای بخش فیلم بلند بین‌المللی از ۹ فیلم به ۱۰ فیلم افزایش یابد).

در تمام این سال‌ها شایعه بوده است که فیلم ایتالیایی «نیایی بزرگ» به کارگردانی پائولو سورنتینو که در ۲۰۱۳ برنده جایزه اسکار بهترین فیلم بلند بین‌المللی شد، جزء شش فیلم منتخب کمیته رای‌گیری اولیه نبود و به رای کمیته اجرایی به فهرست کوتاه راه پیدا کرد.

به‌این‌ترتیب، با تغییرات جدید، «کمیته نجات» حذف می‌شود و ۱۵ فیلم که بالاترین امتیاز را از سوی کمیته رای‌گیری اولیه فیلم بلند بین‌المللی کسب کرده‌اند به فهرست کوتاه راه پیدا می‌کند که اسامی آنها ۹ فوریه ۲۰۲۱ (۲۱ بهمن) اعلام خواهد شد.

با حذف «کمیته نجات»، هیچ شبکه ایمنی برای اصلاح حذفیات آشکار در مرحله رای‌گیری اولیه وجود ندارد. برخلاف دیگر بخش‌های آکادمی، بخش فیلم بلند بین‌المللی یک شاخه مشخص ندارد و فیلم‌سازان مختلف از رشته‌های مختلف عضو کمیته اجرایی هستند.

در مرحله بعد رای‌گیری، ۱۵ فیلم فهرست کوتاه در دسترس کمیته نامزدی فیلم بلند بین‌المللی قرار می‌گیرد و آنها پس از دیدن فیلم‌ها درباره پنج نامزد نهایی تصمیم می‌گیرند که اسامی آنها ۱۵ مارس ۲۰۲۱ (۲۵ اسفند) همراه نامزدهای ۲۲ بخش رقابتی دیگر جوایز اسکار اعلام خواهد شد. درنهایت برنده اسکار فیلم بلند بین‌المللی با رای تمام اعضای فعال و دائمی آکادمی انتخاب می‌شود. آکادمی هنوز فهرست کامل و نهایی شرکت‌کنندگان در بخش فیلم بلند بین‌المللی جوایز اسکار ۲۰۲۱ را منتشر نکرده است، اما اخبار غیررسمی از رقابت ۹۳ فیلم در این بخش حاکی است. سال گذشته نیز ۹۳ فیلم شانس دریافت جایزه اسکار فیلم بلند بین‌المللی را داشتند و جایزه اسکار این بخش به «اتکل» ساخته بونگ جون هوز از کره جنوبی رسید.

نودوسومین دوره جوایز اسکار ۲۵ آوریل ۲۰۲۱ (دوشنبه ششم اردیبهشت ۱۴۰۰) در دالی تیتلر در هالیوود، لس‌آنجلس برگزار می‌شود. این مراسم ابتدا قرار بود ۲۸ فوریه (پامداد دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۹) برگزار شود، اما با توجه به زمان برگزاری مراسم و زمان لازم برای فیلم‌ها برای اینکه شرایط انتخاب را داشته باشند، به خاطر پاندمی کووید۱۹ دو ماه عقب افتاد.